

آینه

چک بی محل برجام را نقد کنید پیش شرط گذاشتن برای آمریکا پیشکش

● توجیه مذاکره با آمریکا به واسطه ادعای پیش شرط‌گذاشتن در حالی است که افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی هنگام مذاکرات برجام، به عبور از خط قرمزهای منافع ملی و توافق به هر قیمت با آمریکا اصرار داشتند به همین دلیل هم، توافقی نامتوازن و ناهم‌زمان و فاقد پشتوانه و ضمانت را به مثابه چک بلامحل، روی دست کشور گذاشتند. بنابرین باید از آنها خواست به جای زست‌هایی نظیر گذاشتن پیش‌شرط و مذاکره دوباره آمریکا، ابتدا همین چک برگشت‌خورده و پر خسارت برجام را احیا کنند. نکته جالب این است که برجام قرار بود همه تحریم‌ها را – به ادعای آقای روحانی و تیمش- لغو کند اما موجب تشدید تحریم‌ها با وجود ادامه اجرای تعهدات برجامی از سوی ایران شده است. بنابرین باید از امثال ناصری پرسید وقتی توافق موجود از سوی آمریکا و اروپا اجرا نمی‌شود، برای چه باید دوباره مذاکره کرد؟ برای رسیدن به توافق جدید؟ که چه؟ که اجرایی نشود؟! به قول آقای روحانی، مگر دیوانه‌ایم؟! این نکته هم گفتمی است افراطیون منته به همسویی با آمریکا در فتنه ۸۸، می‌گوشتند بسیاری از ساختار شکنی‌ها و خیانت‌های خود را به واسطه پوست خرزبه گذاشتن زیر پای دولت روحانی عملی کنند.

نیابت‌نظر

تحصیلات نیم‌میلیون‌مدیر

● داده‌های تفصیلی بازار کار در سال ۹۷ نشان می‌دهد حدود ۵۵۵ هزار نفر از شاغلان کشور، در دسته شغلی «قانون‌نگذار، مقامات عالی‌رتبه و مدیران» فعال بوده‌اند. از این تعداد، مدیران با سابقه تحصیلی مهندسی، بیشترین فراوانی را داشته‌اند. تقریباً ۲۷ درصد از کل مدیران، در یکی از رشته‌های مهندسی تحصیلات آکادمیک خود را سپری کرده‌اند، پس از این گروه تحصیلی، فارغ‌التحصیلان «بازرگانی و علوم اداری»، بیشترین تعداد را در بین شاغلان مدیر و مقامات (۲۵ درصد از کل مدیران) دارا بودند. در نتیجه بیش از ۵۰ درصد پست‌های مدیریتی، در اختیار این دو گروه بوده است. شاغلان تحصیل‌کرده در رشته‌های «علوم اجتماعی و رفتاری، مانند علوم سیاسی، علوم اقتصادی و جامعه‌شناسی، تنها سهم ۴/۶ درصدی در بین مدیران داشته‌اند. نکته تامل‌برانگیز گزارش مرکز آمار، چگونگی فعالیت نیمی از شاغلان ۶ گروه تحصیلی در حوزه تخصصی خود است. یکی از ضعیف‌ترین عملکردها مربوط به مهندسان است؛ تقریباً فقط یک پنجم آنها در حوزه‌های تخصصی مشغول به‌کار بوده‌اند. در این زمینه، بیشترین توفیق را گروه «بهداشت» داشته است. بیش از سه‌چهارم شاغلان تحصیل‌کرده در حوزه‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، مامایی، پرستاری و… در حوزه تخصصی شاغل هستند.

ایران

راهی برای کاهش خطر نابرابری

● **عباس عبیدی**: ... متأسفانه احمدی‌نژاد قانون هدفمندی یارانه‌ها را بسیار بد و غیرقانونی اجرا کرد زیرا اهداف او شهرت و کسب رأی بود و کاری به اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجرای قانون نداشت. و اگر این طرح را مطابق قانون اجرا می‌کرد در دولت بعد هم ادامه می‌یافت امروز با مشکلات اندکی مواجه می‌شدیم. با وجود این اگر وضعیت همچنان که به این یکی دو سال اخیر بوده، ادامه پیدا کند، دیر یا زود شاخص ضرب جینی از رقم سال ۱۳۸۵ نیز فراتر خواهد رفت... ادامه این وضع یک خطر جدی است. بجز افزایش مالیات و انتقالش به طبقات فقیرتر که در شرایط کنونی تقریباً محال و نشدنی است، دوره دیگر برای تعدیل این مشکل وجود دارد. حداقل باید یک راه را برگزید، ترکیب هر دو نیز مطلوب‌تر است. راه اول رشد اقتصادی و افزایش اشتغال و مهتر از همه پیشینی‌گرفتن رشد دستمزدها بر میزان تورم است. راه دوم انتقال یارانه‌ها به مردم بویژه طبقات کم‌درآمد است. با وضعیت کنونی، چشم‌انداز امیدبخشی برای راه اول وجود ندارد. اگر هم بهبودی اندکی حاصل شود، نمی‌تواند مانع ادامه روند شدید نابرابری شود.



موج سوم زین‌کرده‌ها

● **عبدالله کنجی**: مهاجرت از جهان سوم خصوصاً برای متمکنین و تحصیلکردگان غرب رفته، به عرفی جهانی تبدیل شده است و اصولاً تحصیلکردگان در غرب با حیات اجتماعی و فرهنگی جوامع بومی ناسازگار و درگیر می‌شوند و نهایتاً به غرب برمی‌گردند... اما مهاجرت عمده‌ای که عمداً متأثر از حاکمیت مستقر صورت می‌گیرد تاکنون در سه موج اتفاق افتاده است که موج سوم آن به شدت حاکمیتی را زیر سوال برده است. در موج سوم، روش مهاجرت عموماً فرار است. فراری‌های این موج کسانی هستند که تحت تعقیب قرار دارند. این جماعت نه وابسته به نظام طاغوت و گروه‌های معاند هستند و نه اصلاح‌طلبان شانس‌نامه‌داری هستند که با نظام دینی عبور کرده‌اند بلکه کسانی هستند که فسادشان سرنوشت، هویت و آینده آنان را رقم زده است. پلشتی‌های اقتصادی آنان، هراس از عقوبت و اعدام و زندان را به مثابه کابوس در نظرشان نمایان می‌کند و راهی‌ای از وضع موجود را در جلای وطن جست‌وجو می‌کنند و در غرب نیز زندگی مخفیانه‌ای دارند.

شرق: روز عاشورای امسال مصادف است با سالروز درگذشت آیت‌الله محمود طالقانی؛ شخصیتی که بی‌تردید یکی از مهم‌ترین پیشگامان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؛ فردی که نه‌تنها در حوزه علمی و پژوهشی فعالیت گسترده‌ای داشت، بلکه همراه با سایر مبارزان در مبارزات ضداستبدادی نقش ویژه‌ای ایفا کرد. او آخرین سخنرانی خود را ۱۶ شهریور ۱۳۵۸ به مناسبت سالروز کشتار مردم در میدان ژاله در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بر سر مزار شهدای آن واقعه ایراد کرد و دو روز بعد از این سخنرانی، یعنی در ۱۹ شهریور جان به جان آفرین تسلیم کرد. در ادامه گزیده‌ای از آن سخنرانی را می‌خوانید.

آیت‌الله طالقانی درباره هدف شهدای ۱۷ شهریور گفت: «رژیم و پشتیبانان آن و عوامل خارجی آن گمان می‌کردند، بعد از مدت‌هایی که فرهنگش را تحمیل کرده، اقتصادش را تحمیل کرده، خیال می‌کرد این ملت ساقط شد، کارش تمام شد، ولی ۱۷ شهریور نشان داد که این ملت از جا بلند شد؛ با همه عوامل سقوط، با همه بندها، با همه قیدهای اخلاقی و فرهنگی و اقتصادی تحمیل‌شده، بندها را باز کرد و در مقابل گلوله‌ها و در مقابل تانک‌ها با ششت گره‌کرده و فریاد الله‌اکبر دنیا را تکان داد. فهمانند ما زنده‌ایم، ما به خودمان متکی هستیم».

مرحوم طالقانی در ادامه سخنرانی خود اظهار کرد: «این آمدن برای این است که تجدید عهد کنیم. ای بچه‌هایی که در این خاک خفته‌اید، ای جوان‌هایی که با گلوله دشمن تن‌های شما و قلب‌های شما دریده شد، ای زن‌های بزرگواری که به میدان ریختید، بچه‌ها را بغل گرفتید و در مقابل گلوله‌ها شتافتید. ما آدمیم بعد از یک سال با شما تجدید میثاق کنیم، خون شما میثاق ماست. فریاد الله‌اکبر شما میثاق ماست. آن هدفی که شما دنبال کردید، در مقابل طاغوت و برای آزادی انسان‌های ایران و مسلمان و همه انسان‌های دنیا، ما با شما تجدید پیوند و تجدید عهد می‌کنیم که ما همان را تعقیب خواهیم کرد».

این شخصیت برجسته انقلاب از تجدید

سیاست

۴۰ سال از درگذشت آیت‌الله سید محمود طالقانی گذشت

انقلابی متجدد



پیمان در برابر هرگونه استبداد چنین گفت: «تجدید پیمان در مقابل هرگونه استبداد به هر شکل. تجدید پیمان در مقابل هرگونه استثمار و استثمار، تجدید پیمان برای آزادی همه بشر و همه مردم در آن روزی که شما آماده شدید سینه سپر کنید و خودتان را مقابل گلوله قرار دهید، بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین کار تاریخ را کردید؛ رژیم را با آن همه قدرت، با آن همه پشتیبانی، با آن همه سلاح‌ها، از پا درآوردید. درود خدا و درود همه ما بر شما باد.

این شهدای ما هم دنبال اهمیت مسئله شورا بودند. در مقابل فرهنگ تحمیلی، در برابر اقتصاد تحمیلی، در برابر قوانین تحمیلی، در برابر محدودیت‌های پلیسی حق اعتراض به کسی ندهند، حق انتقاد ندهند، حق فعالیت آزاد به مردم و مسلمان‌ها و مردم آزاده دنیا ندهند». او درباره تفاوت خوانش‌ها از اسلام تصریح کرد: «در همین مسائلی که در کردستان پیش آمد، اگر ما به‌جای پس‌گیری، پیش‌گیری می‌کردیم، اگر آن وقتی که من به سنجند رفتم با دوستانمان، عمل می‌کردند، با حس رحمت و در پرتو رحمت با اینها تماس می‌گرفتند و بندها را از اینها

استبدادستیزی و خرافات‌ستیزی، محور تفکر طالقانی



محمدتقی فاضل‌مبیدی

آنچه مرحوم طالقانی را در بین بسیاری از روحانیون ممتاز کرده، توجه ایشان به نقش اسلام و قرآن در زندگی مردم است. او در ۲۰هـ و در زمانی که اندیشه‌های چپ و راست در جامعه حاکم بود، دریافت که باید برای تبیین اسلام کاری کرد. او توانست با چنین دیدگاهی اندیشه اسلام را در میان مردم بیاورد و جوانان را جذب دین‌گرایی کند. در کنار این موضوع او مهم‌ترین دغدغه‌اش استبدادستیزی و خرافات‌ستیزی بود و با دو مقدمه بسیار مهم بر کتاب‌های محواموهوم و ضوابطالاعلام شیخ خرقانی علیه استبداد و خرافات اقدام ویژه‌ای کرد. علاوه‌بر اینها او مقدمه‌ای با اهمیت بر کتاب تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله مرحوم نائینی که در دفاع از مشروطیت به تحریر درآمده بود،

نوشت و توانست این کتاب‌های ارزشمند را که برای آگاهی مردم نوشته شده بود، از زیر خوراه‌ها خاک فراموشی بیرون بیاورد و احیا کند؛ بنابراین دو محور اصلی فکر مرحوم طالقانی مبارزه با استبداد و خرافات بود و برای این مهم سال‌ها به زندان رفت که در زندان هم بی‌کاری نشست و به رسالت آگاهی‌بخشی‌اش ادامه داد.

آیت‌الله طالقانی یکی از علل بزر استبداد را جهل مردم می‌دانست و می‌گفت که از احساسات و عواطف یک مردم سوءاستفاده می‌شود تا هر آنچه می‌خواهند بر ملت تحمیل کنند. ایشان به معنای واقعی یک روشنفکر بود، زیرا زمانه خود را به‌درستی می‌شناخت و با آنکه ملبس بود، حوزه را رها کرد و همراه با مرحوم بدالله سحابی و مرحوم مهندس یازرگان وارد عرصه فرهنگی و سیاسی شد. وقتی پرسش شد که چه کسی جوانان را با اسلام آشنا کرد، مرحوم مطهری در بین افرادی مانند خودش، دکتر شریعتی، مهندس یازرگان و شخصیت‌های برجسته دیگر گفت که طالقانی نسل جوان را با اسلام آشنا کرد.



محمدتقی رهبر

بیش از ۵۰سال است که مرحوم طالقانی را با نوشته‌هایش می‌شناسم. فعالیت‌هایی که آن مرحوم بر تفسیر نهج‌البلاغه داشته ارزشمند است که اکنون در اختیار ما قرار گرفته است. آیت‌الله طالقانی علاوه‌بر آنکه به فعالیت‌های گسترده علمی و پژوهشی می‌پرداخت، در حوزه اجتماعی و سیاسی نیز همراه با نهضت آزادی اقدامات ویژه‌ای داشته است و از پیشگامان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. بعد از انقلاب هم مورد ستایش حضرت امام قرار گرفت و مسئولیت امامت نماز جمعه تهران به او سپرده شد. او عالمی مبارز و خالص بود که رنج‌های بسیار در راستای تحقق اسلام واقعی متحمل شد.

این سخن درستی است زیرا شرایط فعلی شباهت بسیاری به دوران حکومت حضرت

مردم از خانه و زندگی و واحدها باید با هم مشورت کنند در کارشان. علی می‌فرمود: من استبد برایهٔ هلك، هرکس استبداد کند، در کارهای خودش هلك می‌شود... مگر در سنجد که این شورای نیم‌بند تشکیل شد، ضرری به جایی رسید. می‌بینیم آنجا نسبتاً از همه منطقه کردستان آرام‌تر است؛ یعنی گروه‌ها و افراد دست‌اندرکار این‌طور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد، دیگر ما چه کاره هستیم؟!

شما هیچ! بروید دنبال کارتان، بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند، این مردم‌اند که کشته دادند، اینهایی که اینجا خوابیده‌اند، از همین توده‌های جنوب شهر بوده‌اند، منطق اینها بود. می‌گویند در کارخانه‌ها اخلال می‌شود، خب یک مرتبه اخلال بشود، آن اصل مهم‌تر از این است که در یک کارخانه اخلال بشود. در کارخانه اخلال شد، شورا را تعطیل کنید، چرا؟!

او ادامه داد: «بیشتر این تشنج‌ها، این فرصت‌طلبی‌های عوامل ضد انقلاب و خارجی را زان‌ناشان را می‌بستیم و سلاح از دست اینها می‌گرفتیم؛ اما متأسفانه دیر شد، ولی هنوز دیر نشده، همان‌طور که جلوی توپ و تانک رفتید، این مسئولیت‌ها را شما دارید.

این بر عهده شماست. شاید بعضی از دوستان ما بگویند آقا شما چرا این مسائل را در میان توده مردم مطرح می‌کنید؟

بیايید در مجلس خبرگان! می‌گویند بین موکلین شما مطرح می‌کنم، اینها هستند که ما را وکیل کردند.

ما می‌دانم برای چه وکیل کردند. ما موظفیم و نسبت به اینها مسئولیت داریم.

باید درها، اندیشه‌ها، بدیختی‌ها، ناراحتی‌ها، عقب‌بانگدگی‌های این مردم را جبران کنیم... امیدواریم که همه ما هشیار بشویم. فرد فرد مسئولیت قبول بکنیم و این مسائل عظیم اسلامی را پیاده بکنیم.

خودرایی و خودخواهی را کنار بگذاریم، گروه‌خواهی، فرصت‌طلبی و تحمیل عقیده را کنار بگذاریم و ببایم با مردم، با دردمندا، با رنج‌کشیده‌ها، با محروم‌ها هم‌صدایشویم».

طالقانی پیشگام تفسیر نهج‌البلاغه

امیر(ع) دارد. از این‌رو ضرورت دارد که در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها بیش از پیش بر دانستن نهج‌البلاغه اهتمام ورزیده شود تا به‌طور گسترده مردم هم با ابعاد این کتاب آشنا شوند و به‌نوبه خود از تمام علما، فضلا و دانشگاهیان درخواست می‌کنم که درک نهج‌البلاغه را بسیار مهم تلقی کنند تا این کتاب از مظلومیت درآیند. در نهج‌البلاغه مهم‌ترین بحث‌های حکومت‌داری از دید حضرت امیر(ع) مطرح شده است و علاوه بر این، بحث‌های مهمی درباره مکتب تربیتی حضرت علی(ع) و نوع نگاه حضرت به مقوله معیشت و اقتصاد مطرح شده است.

حال تصور کنید این مسائل مهم را مرحوم طالقانی سال‌ها قبل دریافت بود و به همین دلیل عمده همت خود را بر تفسیر آن نهاد تا مبانی نظری و عملی امیرالمومنین(ع) در جامعه رواج یابد که البته برای این موضوع هزینه‌های بسیاری داد، زیرا برای تحقق آن خود نیز مسیر مبارزه با جهل و استبداد را در پیش گرفت.

روزنه

رئیس دستگاه قضا:

قضات جلوه‌ای از خلافت هستند

● **جماران**: رئیس قوه قضائیه گفت: اگر فردی در محیط کاری و در اداره خود ببیند رشوه گرفته می‌شود، اما کاری نکند و حس مسئولیت نداشته باشد، نوعی کم‌کاری و در واقع بی‌کاری محسوب می‌شود. حجت‌الاسلام رئیسی در همایش فعالان حوزه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر گفت: جامعه‌ای که در آن احساس مسئولیت نباشد و مردم درون جامعه برای انجام وظیفه عمومی و شرعی خود حس متقابل نداشته باشند و در واقع خطرپذیری و مسئولیت‌پذیری نسبت به بستگان و اقوام و خویشان نداشته باشند، دچار کم‌کاری است. وی ادامه داد: در جامعه‌ای که افراد نسبت به دیار خودشان احساس مسئولیت نکنند، درست نیست. حجت‌الاسلام رئیسی گفت: همچنین اگر فردی در محیط کاری و در اداره خود ببیند رشوه گرفته می‌شود، اما کاری نکند و حس مسئولیت نداشته باشد، نوعی کم‌کاری و در واقع بی‌کاری محسوب می‌شود و باید همه مردم نسبت به محیطی که در آن زندگی می‌کنند و اداره و شهر خود احساس مسئولیت کنند و به تخلفات آن واکنش نشان دهند.



رئیس قوه قضائیه ادامه داد: پند و موعظه‌کردن امر بسیار پسندیده‌ای است؛ البته شرایط خاص خود را دارد که در روایات اصول فقهی ما به آن اشاره شده است. در نهی‌ازمنکر هم مباحثی وجود دارد که فقها به آن پرداخته‌اند. در واقع موضوع امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر مرتب‌های از خلافت و جانشینی خدا و رسول اوست. رئیسی قضاوت را جلوه‌ای دیگر از خلافت خواند و دانست و گفت: فردی که در جایگاه قضاوت قرار دارد، غیر از حکم خدا، حکم نمی‌دهد و در هر مقطع و دانشگاهی که تحصیل کرده باشد، باز هم حکم خدا را صادر می‌کند. وی تصریح کرد: شناخت حکم و موضوع آن برای قضاوت، بسیار مهم است و نباید در آن حب و بغض دخالت داده شود و آمر به معروف و ناهی از منکر نیز باید فقط امور خدا را معروف و از برخی جهات نهی کند.

احمد توکلی، **عضو مجمع تشخیص مصلحت:**

اروپایی‌ها بدتر از صدام با ما برخورد می‌کنند

● **نامه‌نیوز**: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: اروپایی‌ها بدتر از صدام با ما برخورد می‌کنند. صدام نفت را به آنها می‌داد و در عوضش دارو و غذا می‌گرفت، اما حالا اروپا به ما می‌گوید «در عوض پول نفت، غذا و دارو می‌دهد آن‌هم با مبلغی که خودش تعیین می‌کند». با این روش ما به‌دکار اروپا می‌شویم. احمد توکلی این روش را به این پرسش که «مذاکرات ایران و فرانسه به کجا می‌رسد؟ آیا نتیجه‌بخش می‌شود به‌طوری‌که بگوییم پروژه توافق با غرب جان تازه‌ای می‌گیرد؟»، گفت: من اعتقادی به این کار ندارم؛ چون مشکل اصلی ما کمبود ارز نیست بلکه مدیریت داخلی است.

دولت سال گذشته می‌دانست از ۱۴ مرداد تحریم‌ها برمی‌گردد و اولین تحریم نیز منع تجارت با دلار و طلا بود، اما بر اثر سوءتدبیرش ۱۸ میلیارد دلار ارز و ۶۲ تن طلا به تاراج رفت؛ چون بدون حساب‌وکتاب به هرکسی ارز داد.

حالا به فرض دولت با فرانسه هم توافق کند و ۱۵ میلیارد دلار در پنج ماه بگیرد، این ۱۵ میلیارد دلار نیز پیش از ۱۸ میلیارد دلار می‌رود و اتفاقی نمی‌افتد. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام یادآور شد: به فرض که ۱۵ میلیارد دلار برای فروش نفت خط اعتباری به ما بدهند، اما مستقیم پول نفت را به ما نمی‌دهند، می‌گویند «از اینستکس بگیرید». اینجا اینستکس مایه بدبختی برای ما می‌شود؛ چون به شکل یک شرکت انحصاری عمل می‌کند و فقط کالاهایی را که می‌خواهد به ما می‌فروشد. مثلاً می‌گوید «در عوض دلار فقط دارو می‌دهیم»؛ حال آنکه در وضعیت تحریم نباید دارو و غذا را در تحریم بگذارند، اما سر ما منت می‌گذارند که غذا و دارو را می‌توانیم از طریق اینستکس بخریم. وی ادامه داد: اروپایی‌ها از صدام هم با ما بدتر برخورد می‌کنند.

صدام نفت را به آنها می‌داد و در عوضش دارو و غذا می‌گرفت. اما حالا اروپا به ما می‌گوید «در عوض پول نفت، غذا و دارو می‌دهد آن‌هم با مبلغی که خودش تعیین می‌کند». با این روش ما به‌دکار اروپا می‌شویم؛ چون ماده اولیه دارو را نمی‌دهند. داروی «برند» را با بیش از سه برابر قیمت مواد اولیه در اختیار ما می‌گذارند؛ یعنی مصرف ۱٫۸ میلیارد دلار در سال برای دارو به هفت میلیارد دلار افزایش پیدا می‌کند.